



اصول تعلیم و تربیت دینی / خانواده گرایی و فطرت گرایی

در اسلام، دانش از ارزش وافری برخوردار است و بدین سبب بالبداهه عالم و جاهل یکسان نیستند. بلکه خداوند مقام دانشمندان را به مراتب والاتر قرار داده است.

خبرگزاری مهر گروه دین و اندیشه: در اسلام، دانش از ارزش وافری برخوردار است و بدین سبب بالبداهه عالم و جاهل یکسان نیستند. بلکه خداوند مقام دانشمندان را به مراتب والاتر قرار داده است.

تربیت فرزندان، از اولین امور مهم خانه، مدرسه و جامعه است. همه این عوامل در تربیت فرزندان به سمت مثبت یا منفی دخالت دارند، اما حقیقت آن است که تأثیر محیط خانه و خانواده از میان این عوامل، به شکلی چشمگیر در تربیت و به خصوص در تربیت دینی فرزندان افزون‌تر است، به گونه‌ای که باید آن را از دو عامل دیگر ممتاز ساخت.

قرآن کریم در حالی که تغییر وضعیت یک قوم و ملت را به تغییر درونی تک تک اعضای آن قوم و جامعه توسط خودشان وابسته کرده است، خانواده را به منزله واحدی تربیتی که در آن سرپرست خانواده مسئول تربیت و اعضای خانواده متربیان وی هستند، پذیرفته است؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، حفظ کنید؛ 171#»

والدین نقش خود را از طریق ارتباط‌های کلامی، القای باورهای مذهبی و معنوی و همچنین رفتارهای مذهبی ایفا می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد خانواده‌ها با انجام اعمال مذهبی مثل دعا کردن، باز گفتن نام خدا در هنگام غذا خوردن، دادن خیرات، دستگیری از فقرا و رعایت اخلاق، می‌توانند موجب رشد و بالندگی معنوی کودکان شوند.

انجام مناسک و شعائر مذهبی نیز، بذر معنویت را در دل کودکان و نوجوانان می‌افشاند. اسلام سرشار از شعائر و مناسک سودمندی است، که مردم برای نزدیکی به خدا در وضعیتی خاص انجام می‌دهند. مناسکی چون نمازهای یومیه، زیارت خانه خدا، روزه گرفتن و... بحث‌های آزاد خانوادگی در مورد مسائل مذهبی، در درک کودکان از مفاهیم معنوی تأثیر بسزایی دارد. از مسائلی که می‌تواند به رشد مذهبی کودک در خانواده کمک کند، نقل داستان‌ها و روایت‌های مذهبی است.

اصولاً کودکان داستان‌ها را دوست دارند و والدین می‌توانند مفاهیم مذهبی را از طریق روایت‌ها و داستان‌های جذاب آموزش بدهند. بدین ترتیب، پژوهشگران همسو با اسلام، خانواده را اساسی‌ترین بستر شکل‌گیری باورهای مذهبی و معنوی می‌دانند و بر این نکته تأکید دارند که بیشتر این باورها از دوران کودکی و در کانون خانواده ریشه می‌گیرد.

فطرت‌گرایی

بخش اصلی هدف تعلیم و تربیت اسلامی، شکوفایی فطریات انسان است. در این نظام، شکوفایی هدفی است برای همه انسان‌ها. همه می‌توانند به شکوفایی دست یازند. انسان‌ها برای شکوفا شدن، باید خود را کشف کنند؛ بفهمند که چه ویژگی‌ها و طبیعتی دارند و اینکه چه می‌توانند بشوند. قدم اول در این راه، باور داشتن جنبه‌های ذاتی و پنهانی وجود آدمی است. قدم دوم این است که به انسان یاد داده شود که چگونه هویت خود را باز شناسد، چگونه خویش را شکوفا سازد، برای شکوفایی چه چیز مفید و چه چیز تضعیف کننده و آلوده ساز آن است، چه چیز را انتخاب کند و چه چیز را نادیده انگارد، چه چیز را انجام دهد و از چه چیز دوری جوید.

یکی از تدابیر الهی در مورد انسان‌ها این است که خداوند آنها را بر اساس فطرت الهی آفریده است. فطرت الهی با شالوده وجود آدمی در انطباق کامل است. گفت‌وگو از فطرت الهی، گفت‌وگو از محوری‌ترین و ثابت‌ترین بعد دینی وجود انسان است.

فطرت‌گرایی و همسویی با فطرت، اصل مسلم تعلیم و تربیت دینی است و همه تدابیر، برنامه‌ها، اهداف و تحقیقات تربیت دینی باید بر پایه فطرت‌پیریزی شوند، زیرا خداوند، آدمی را بر این بنیاد خواسته و سرشته و پرورش و رشد و کمال او را از این راه ممکن دانسته است.

گزیده محوری

یکی از محورهای تربیتی، محتوای آن است که باید به آن توجه کرد. محتوای تربیت است که به متربیان آموخته و از آنان خواسته می‌شود ذهن و رفتار خود را با آن تطبیق دهند.

در اسلام، دانش از ارزش وافری برخوردار است و بدین سبب بالبداهه عالم و جاهل یکسان نیستند. بلکه خداوند مقام دانشمندان را به مراتب والاتر قرار داده است. اما این سخن لزوماً به معنای شایستگی هر نوع علم برای تعلیم و تعلم و یا جایگاه والای هر فرد دانش آموخته نیست.

بنابر دستور دینی، محدوده‌ای از علوم، خارج از دامنه تعلیم و تعلم مجاز قرار دارد و نه تنها آموزش آنها رجحانی ندارد بلکه یاد دادن و یادگرفتن آنها نیز نهی شده است.

تا اینجا دانستیم در آموزش علوم، خواه علوم دینی و خواه علوم غیردینی، ملاکی دیگر نیز لازم است؛ در آموزش علوم باید به بخش مفید آن پرداخت و از قسمت‌های غیر سودمند آن برای حفظ آمادگی آموزش و به دلیل محدودیت عمر آدمی پرهیز کرد. اما از نظر اسلام، موضوع در اینجا ختم نمی‌شود، بلکه همان گونه که بین سودمند و غیرسودمند، باید سودمند را برگزید؛ بین سودمند و سودمندتر نیز باید سودمندتر را انتخاب کرد، تا با تابیدن نورعلم و روشن شدن ضمیر آدمی، گوهر وجودی انسان نمایان شود.

سودمند بودن و یا سودمندتر بودن، از طریق رعایت امور ریز و درشت فراوانی حاصل می‌شود. روایت کتاب نزهه الناظر و تنبیه الخاطر رهنمودی کلی برای این مسئله ارائه کرده است. راه دیگر برای تحصیل دانش سودمندتر اینکه باید محتوای آموزش، مطابق نیازها و اقتضائات سنی و جنسیتی متربیبان گزینش و تنظیم شود. جوانان نیازها و پرسش‌هایی غیر از معماها و مشکلات بزرگسالان دارند. دختران مسائل و اقتضائاتی متفاوت با انگیزه‌ها و خواست‌های پسران دارند. در یک نظام آموزشی پیشرفته، محتوا با مخاطب هماهنگ و گزینش می‌شود.

نتیجه گیری

در جمع بندی باید گفت: محتوای آموزش دینی افزون بر اینکه باید بر پایه باورها و اصول مسلم مکتبی تنظیم شود، باید گزینش نیز بشود. حسن ختام، سیره امام علی(ع) را در گزینش مطالب عبرت‌آموز از میان انبوهی از وقایع تاریخی، برای آموزش به فرزندش در اینجا باز گو می‌کنیم. دقت امام در این اقدام و تأکیدشان در اعلام ان، شایان توجه است، باشد که الگویی فراموش نشدنی برای ما باشد.

پسرکم، گرچه عمر من همزمان با عمر گذشتگان نبوده است، در کارهای آنان نظر افکنده‌ام و در تاریخشان با دقت فکر و در آثارشان سیرکرده‌ام، تا جایی که از کثرت اطلاع، مانند یکی از آنان به حساب آمدم. اخباری که از گذشتگان دریافت داشته‌ام، به قدری مرا به وضع آنان آگاه کرده است، که گویی خود شخصاً با اولین تا آخرین آنها زندگی کرده‌ام و جریان امورشان را از نزدیک دیده‌ام.

بر اثر تعمق در تاریخ آنان، روشنی و تیرگی کارشان را شناختم و سود و زیان اعمالشان را تشخیص دادم. سپس مجموع اطلاعات تاریخی خود را غربال کردم؛ آنچه مفید و آموزنده بود و در اختیار تو گذاردم و فقط مطالب زیبا و وقایع دلپذیر را برای تو برگزیدم و ذهن‌ت را از قضایای مجهول و بی فایده که اثر علمی و عملی ندارد، برکنار نگاه داشتم. (نهج البلاغه نامه 31)

مقاله از نشریه پرونده موضوعی، #171؛ اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات؛ نوشته علی اکبر زهره کاشانی